**انترناسیونال ۴۶۱**

**شهلا دانشفر**

**علیه بیکارسازی ۱۱۵ هزار کارگر صنعت قطعه سازی**

یکی از سرتیتر های مهم خبری رسانه ها در این هفته بیکارسازی ۱۱۵ هزار کارگر در صنعت قطعه سازی از سال ۹۰ تا تیرماه ۹۱ است و از خطر بیکاری ۸۰۰ هزار کارگر در این بخش صحبت می شود. همچنین با وقوع زلزله اخیر در آذربایجان شرقی گزارشها حاکی از بیکاری هزاران نفر دیگر در این منطقه است. هرروز نیز در خبر ها بیکار شدن کارگران در این کارخانه و آن کارخانه گزارش میشود. اینها همه در حالی است که بنا بر اخبار منتشر شده دولتی در سال گذشته ۲۰۰ هزار کارگر از کار بیکار شدند. این سیل عظیم بیکارسازیها در کنار جمعیت میلیونی بیکار در جامعه بطور واقعی به یک معضل عظیم اجتماعی در جامعه تبدیل شده است. علت بیکارسازیها چیست و راهکارها کدامست؟

بارها تاکید کرده ایم که بحران اقتصادی جمهوری اسلامی همزاد بحران سیاسی این حکومت است. سی و سه سال است که این رژیم با اعمال سیاست ریاضت اقتصادی و تشدید تهاجم هروزه اش به زندگی و معیشت مردم، توانسته است خود را سرپا نگاه دارد و برای این کار ابزار زندان و اعدام را به خدمت گرفته و هر اعتراض و مبارزه ای را زیر سرکوب شدید خود قرار داده است. اما امروز تفاوت اینجاست که این اقتصاد بحران زده از یکسو با بحران جهانی سرمایه داری تقارن یافته است و از سوی دیگر با تحریم های اقتصادی غرب و آمریکا به مراتب تشدید شده و در کشاکش میان نیروهای ارتجاعی و بورژواری جهانی از یکسو و رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی از سوی دیگر این مردم و این کارگران هستند که قربانی میشوند. غرب و آمریکا تلاششان رام کردن این حکومت و کشاندن آن بر سر میز مذاکره است و جمهوری اسلامی برای بقای دو روز بیشترش تقلا دارد. نتیجه مستقیم این وضعیت فقر و فلاکتی است که امروز در جامعه شاهد هستیم و یک عارضه بلافصل آن به تعطیلی کشیده شدن کارخانجات و بخش های مختلف اقتصادی و بیکارسازیهای وسیع کارگران و اضافه شدن هر روزه بر جمعیت عظیم بیکاران است.

در چنین وانفسایی صاحبان سرمایه نیز بار خود را بسته و هر چه بیشتر از گرده کارگر کار میکشند و ثروتهای میلیاردی تل انبار کرده و زندگی و معیشت کارگر را به تباهی میکشند. دزدی و چپاول و فساد از بالا تا پایین این حکومت را گرفته است. دولت سرمایه حاکم نیز حامی صاحبان سرمایه است و هر جا صدای اعتراضی بلند میشود با زندان و سرکوب پاسخ داده میشود. حراست و انواع نیروهای سرکوبگر دیگر را نیز در محیط های کار حاکم کرده اند تا کل این سناریوی دزدی و سرکوب به پیش برده شود. این بطور خلاصه داستان واقعی فقر و فلاکت فاجعه باری است که بر جامعه و بر زندگی مردم حاکم کرده اند و این زمینه بیکارسازیهای عظیم در این جامعه است.

**جدال کارگران و مردم با حکومت**

در قبال این وضعیت یک جدال و جنگ هرروزه میان مردم و حکومت در جریان است. هر روز در این کارخانه و در آن کارخانه اعتراضاتی صورت میگیرد و کارگران در ابعاد چند صد نفر جاده بسته و به خیابان می آیند و مقابل مراجع قدرت رژیم اسلامی تجمع بر پا میکنند. جامعه در حالت انفجار است.

از جمله در همین یک ماه اخیر ما شاهد تجمعات متوالی کارگران صنایع فلزی در مقابل این کارخانه و راهپیمایی ۶۰۰ کارگر صنایع فلزی از محل کارخانه به فرمانداری بودیم. نمونه مهم دیگر در نیشابور بود که یک ماه قبل مردم این شهر علیه گرانی به خیابان ریختند. اکنون وضعیت آذربایجان شرقی نیز به این تصویر اضافه شده است. مردمی که عزیزانشان را از دست داده اند، زندگی و هستی خود را از دست داده اند، مستقیما رژیم اسلامی را مسبب ابعاد فاجعه بار تلفات و صدمات زلزله و وضعیت نابسامان امروز خود میدانند و خواستهایی فوری دارند. در چنین شرایطی است که در مورد بیکارسازیها و راهکارها سخن میگوییم.

۱۱۵ هزار کارگر صنعت قطعه سازی همراه با خانواده هایشان نیروی عظیمی هستند که با صف متحد خود میتواند یک کانون فعال اعتراض را شکل دهند. فضاي جامعه طوري است كه هر روز شاهد شكل گيري كارزارهای اعتراضي از سوي بخش هاي مختلف جامعه هستيم. از جمله كارزاري است كه از سوي جوانان در جريان است، تحت عنوان اينكه :ما خواهان كاريم و بيكاري معضل است". اين يك مشکل واقعی و یک كارزار بزرگ است، بايد وسيعا به آن پيوست و آنرا به تجمعات گسترده عليه بيكاري در مقابل وزارت كار و مراكز مختلف دولتي رژيم تبديل كرد. همچنين هزاران کارگری که در آذربایجان شرقی در جریان زلزله کارشان را از دست داده اند همراه با مردمی که هست و نیستشان را از دست داده اند، نیروی عظیمی هستند که میتوانند با تجمعات هر روزه شان حکومت را زیر فشاری جدی قرار دهند و نه تنها بر خواستهای کار و بیمه بیکاری، بلکه بر خواستهای مهم دیگرشان چون تامین مسکن، درمان و امکانات ادامه زندگی به هزینه دولت در این منطقه پای بفشارند.

واقعیت اینست که رژیم بیش از هر وقت زیر منگنه فشار ما مردم و ما کارگران است. بیش از هر وقتی در سطح جهانی در تنگنا و در انزواست. دعواهایشان نیز به جایی رسیده است که مستقیما همدیگر را نشانه میروند و هر روز پرونده جدیدی از جنایات و دزدی های یکدیگر رو میکنند، باید صف اعتراض خود را متحد و سراسری کنیم.

تجمعات اعتراضی کارگران، شرکت وسیع خانواده های کارگری، تجمعات پی در پی در مقابل مراکز قدرت رژیم از جمله مقابل مجلس و دفتر احمدی نژاد و فرمانداری ها و استانداری ها و وزارت کار و ادارات کارشان و جلب وسیعترین حمایت اجتماعی همه و همه گام های مهمی برای به جلو بردن قدرتمند مبارزات ما مردم و ما کارگران است. با این نیرو است که میشود جلوی تهاجمات هر روزه حکومت را گرفت. با این نیرو است که میشود جلوی سرکوب و تعرضاتش ایستاد. در جریان تظاهرات هزاران نفره مردم به گرانی در شهر نیشابور دیدیم که چگونه نیروی انتظامی رژیم به نظاره گر تبدیل شد. در جریان کمک رسانی به مردم زلزله زده آذربایجان شرقی دیدیم که چگونه گروههای مختلفی از مردم با اتحاد و با ایستادگی شان توانستند از سد ممانعت های رژیم اسلامی و نیروهای سرکوبگر آن عبور کنند و اوضاع را بدست گیرند. همین نیروها بودند که توانستند جان بسیاری را نجات دهند و بعد از زلزله نیز به مردم خوراک و پوشاک برسانند و پاکسازی محل را سازمان دهند. اینها همه الگوهای خوبی از همبستگی و مبارزه است. اینها همه نشانه های خوبی از قدرت ما مردم و اتحاد ما است. با همین قدرت باید و میتوان علیه فقر و گرانی به مبارزه برخاست. با همین قدرت میتوان جلوی بیکارسازیها و تعرضات هر روزه این حکومت ایستاد. با این قدرت میتوان بساط این رژیم جنایتکار را جارو کرد.

خلاصه کلام اینکه راهکار ما اتحاد و تشکل ماست. راهکار ما متحد شدن در حزب کمونیست کارگری و برای پیشبرد مبارزه متحدمان در تمام جبهه های نبرد با رژیم جنایتکار اسلامی است. راهکار ما متحد کردن صفومان در همه جا در محلات و در کارخانجات و در تمام محیط های کار است. راهکار ما اتکا به قدرت اجتماعاتمان و تصمیم گیری جمعی مان در مجامع عمومی کارگری بعنوان مکانی برای اعمال اراده خود ما کارگران و پیشبرد متحد مبارزاتمان است. راهکار ما متحد کردن صفوف مبارزاتمان برای خلاصی از شر جهنمی است که رژیم اسلامی بر پا کرده و ساختن جامعه ای انسانی و پر از رفاه و شادی است.\*